

بسم الله الرحمن الرحيم

موضوع: آثار انتظار ظهور مهدی موعود
نویسنده: آیت الله مکارم شیرازی (زید عزه)

آثار انتظار ظهور مهدی موعود

بعضی از ناآگاهان چنین پنداشته اند که انتظار ظهور مهدی (ع) ممکن است سبب رکود و عقب ماندگی یا فرار از زیر بار مسئولیتها و تسلیم در برابر ظلم و ستم گردد، چرا که اعتقاد به این ظهور بزرگ مفهومی قطع امید است از اصلاح جهان قبل از او حتی کمک کردن به گسترش ظلم و فساد است تا زمینه ظهور آن حضرت فراهم گردد.

این سخنی است که سالهاست بر سرزبان مخالفان و منکران قیام مهدی (ع) است و ابن خلدون به آن اشاره کرده است، در حالی که مطلب کاملاً برعکس است و انتظار این ظهور بزرگ آثار بسیار سازنده‌ای دارد که در ذیل به طور فشرده می‌آوریم تا معلوم شود آنها که چنین قضاوت کرده‌اند قضاوت عجولانه و حساب نشده‌ای است در برابر مسأله‌ای که هم در قرآن مجید به آن اشاره شده و هم در احادیث متواتره که در کتب معروف اهل سنت و منابع مشهور شیعه آمده با صراحت مطرح شده است.

حقیقت انتظار و آثار سازنده آن

سخن در این بود که آیا ایمان به ظهور مهدی (ع) با آن برنامه جهانش که عالم را پر از عدل و داد می‌کند و ریشه‌های ظلم و ستم را قطع می‌نماید اثر سازنده تربیتی دارد یا آثار منفی؟
آیا ایمان به چنین ظهوری انسان را چنان در افکار رؤیایی فرو می‌برد که از وضع موجود خود غافل می‌گردد و تسلیم هرگونه شرایط می‌کند؟

و یا این که به راستی این عقیده یک نوع دعوت به قیام و سازندگی فرد و اجتماع است؟

آیا ایجاد تحرک می‌کند یا رکود؟

آیا مسئولیت آفرین است یا مایه فرار از زیر بار مسئولیتها؟

وبالآخره آیا مخدر است یا بیدار کننده؟

ولی قبل از توضیح و بررسی این سؤالات توجه به یک نکته کاملاً ضروری است و آن این که سازنده ترین دستورات و عالیترین مفاهیم هرگاه بدست افراد نا وارد یا نالایق یا سوء استفاده چی بیفتد ممکن است چنان مسخ شود که درست نتیجه‌ای بر خلاف هدفی اصلی بدهد و در مسیری بر ضد آن حرکت کند و این نمونه‌های بسیار دارد و مسئله «انتظار» بطوری که خواهیم دید در ردیف همین مسائل است.
بهر حال برای رهایی از هر گونه اشتباه در محاسبه در این گونه مباحث باید به اصطلاح آب را از سرچشمه گرفت تا آلودگیهای احتمالی نه‌رها و کانالهای میان راه در آن اثر نگذارد.
یعنی ما در بحث انتظار مستقیماً به سراغ اصلی اسلامی رفته و لحن گوناگون روایاتی را که روی مسئله انتظار تاکید می‌کند مورد بررسی قرار می‌دهیم تا از هدف اصلی آگاه شویم.
اکنون با دقت با این چند روایت توجه کنید:

1- کسی از امام صادق (ع) پرسید: چه می‌گوئید درباره کسی که دارای ولایت پیشوایان است و انتظار ظهور حکومت حق را می‌کشد و در این حال از دنیا می‌رود؟
امام (ع) در پاسخ فرمود:

هو بمنزله من كان مع القائم في فسطاطه - ثم سكت هنيهة - ثم قال هو كمن كان مع رسول الله: «او همانند کسی است که با رهبر این انقلاب در خیمه او (ستاد ارتش او) بوده باشد - سپس کمی سکوت کرد - و فرمود مانند کسی است که با پیامبر اسلام (ص) در «مبارزاتش» همراه بوده است». [۱].
عین این مضمون در روایات زیادی با تعبیرات مختلفی نقل شده است.
2- در بعضی «بمنزله الضارب بسيفه في سبيل الله»: «همانند شمشیر زنی در راه خدا.»
3- و در بعضی دیگر «کمن قارع مع رسول الله بسيفه»: «همانند کسی است که در خدمت پیامبر با شمشیر بر مغز دشمن بکوبد.»
4- در بعضی دیگر «بمنزله من كان قاعدا تحت لواء القائم»: «همانند کسی است که زیر پرچم قائم بوده باشد.»

5- در بعضی دیگر «بمنزله المجاهد بين يدي رسول الله (ص)»: «همانند کسی است که پیش روی پیامبر جهاد کند.»

6- و بعضی دیگر «بمنزله من استشهد مع رسول الله»: «همانند کسی است که با پیامبر شهید شود.»
این تشبیهات هفتگانه که در مورد انتظار ظهور مهدی (ع) در این شش روایت وارد شده روشن‌گر این واقعیت است که یک نوع رابطه و تشابه میان مسئله «انتظار از یک سو، و «جهاد»، و مبارزه با دشمن در آخرین شکل خود از سوی دیگر وجود دارد.

7- در روایت متعددی نیز انتظار چنین حکومتی را داشتن، به عنوان بالاترین عبادت معرفی شده است. این مضمون در بعضی از احادیث از پیامبر و در بعضی از امیر مؤمنان علی (ع) نقل شده است، در حدیث می‌خوانیم که پیامبر فرمود: «افضل اعمال امتی انتظار الفرح من الله عزوجل»: «بالاترین اعمال امت من انتظار فرج از ناحیه خدا کشیدن است». [۲].

و در حدیث دیگری از پیامبر می‌خوانیم «افضل العبادة انتظار الفرج. [3]:
این تعبیرات همگی حاکی از این است که انتظار چنان انقلابی داشتن همیشه توأم با یک جهاد وسیع و دامنه دار است این را در نظر داشته باشید تا به سراغ مفهوم انتظار رفته سپس از مجموع آنها نتیجه‌گیری کنیم.

مفهوم انتظار

«انتظار» معمولاً به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند.

فی المثل بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد، یا پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزند ناراحتند و برای وضع بهتری می‌کوشند.

همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی می‌باشد این دو حالت را دارد «بیگانگی با وضع موجود» و «تلاش برای وضع بهتر.»

بنابراین مسئله انتظار حکومت حق و عدالت مهدی و قیام مصلح جهانی در واقع از دو عنصر است عنصر نفی و عنصر اثبات عنصر نفی همان بیگانگی است با وضع موجود و عنصر اثبات خواهان وضع بهترین بودن است. و اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد

این دو رشته اعمال عبارتند از ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه با آنها از یک سو، و خود سازی و خودیاری و جلب آمادگیها جسمی و روحی و مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی از سوی دیگر.

و خوب که دقت کنیم می‌بینیم هر دو قسمت آن سازنده و عامل تحرک و آگاهی و بیداری است.

با توجه به مفهوم اصلی «انتظار» معنی روایات متعددی ه در بالا درباره پاداش و نتیجه کار منتظران نقل کردیم به خوبی درک می‌شود. اکنون می‌فهمیم چرا منتظران واقعی گاهی همانند کاسنی شمرده شده‌اند که در خیمه حضرت مهدی (ع) (یا زیر پرچم او هستند یا کسی که در راه خدا شمشیری می‌زند، یا به خون خود آغشته شده، یا شهید گشته است.

آیا اینها اشاره به مراحل مختلف و درجات مجاهده در راه حق و عدالت نیست که متناسب با مقدار آمادگی و درجه انتظار افراد است؟

یعنی همانطور که میزان فداکاری مجاهدان راه خدا و نقش آنها با هم متفاوت است، انتظار و خود سازی و آمادگی نیز درجات کاملاً متفاوتی دارد که هر کدام از اینها با یکی از آنها از نظر مقدمات و نتیجه‌گیری شباهت دارد هر دو جهادند و هر دو آمادگی می‌خواهند و خود سازی کسی که در خیمه رهبر چنان حکومتی قرار گرفته یعنی در مرکز ستاد فرماندهی یک حکومت جهانی است نمی‌تواند یک فرد غافل و بیخبر و بی تفاوت بوده باشد آنجا جای هر کس نیست جای افرادی است که به حق شایستگی چنان موقعیت و اهمیتی را دارند.

همچنین کسی که سلاح در دست دارد و در برابر رهبر این انقلاب با مخالفان حکومت صلح و عدالتش می‌جنگد آمادگی فراوان روحی و فکری و رزمی باید داشته باشد. برای آگاهی بیشتر از اثرات واقعی انتظار ظهور مهدی (ع) به توضیح زیر توجه کنید.

انتظار یعنی آماده باش کامل

من اگر ظالم و ستمگرم چگونه ممکن است در انتظار کسی باشم که طعمه شمشیرش خون ستمگران است؟ من اگر آلوده و ناپاکم چگونه می‌توانم منتظر انقلابی باشم که شعله اولش دامن آلودگان را می‌گیرد؟ ارتشی که در انتظار جهاد بزرگی است آمادگی رزمی نفرت خود را بالا می‌برد و روح انقلاب در آنها می‌دمد و هرگونه نقطه ضعفی را اصلاح می‌کند. زیرا چگونگی انتظار همواره متناسب با هدفی است که در انتظار آن هستیم. انتظار آمدن یک مسافر عادی از سفر.

انتظار بازگشت یک دوست بسیار عزیز.
انتظار فرارسیدن چیدن میوه از درخت و درو کردن محصول.
هر یک از این انتظارها آمیخته با یک نوع آمادگی است، در یکی باید خانه را آماده کرد و وسایل پذیرایی فراهم ساخت، در دیگری ابزار لازم و داس و کمباین و....
اکنون فکر کنید آنها که انتظار قیام یک مصلح بزرگ جهانی را می‌کشند در واقع انتظار انقلاب و دگرگونی و تحولی را دارند که وسیعترین و اساسی‌ترین انقلابهای انسانی در طول تاریخ بسر است.
انقلابی که بر خلاف انقلابهای پیشین جنبه منطقه‌ای نداشته بلکه هم عمومی و همگانی است و هم تمام شئون و جوانب زندگی انسانها را شامل می‌شود، انقلابی است سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اخلاقی.

خود سازی فردی

چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان بدوش بکشند و این در درجه اول محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه عظیم است. تنگ نظریها، کوتاه بینیها، کج فکریها، حسادتها، اختلافات کودکانه و نابخردانه و بطور کلی هر گون نفاق و پراکندگی با موقعیت منتظران سازگار نیست.

نکته مهم این است که منتظر واقعی برای چنان برنامه مهمی هرگز نمی‌تواند نقش تماشاچی را داشته باشد باید از هم اکنون حتما در صف انقلابیون قرار گیرد.

من اگر فاسد و نادرستم چگونه می‌توانم در انتظار نظامی که افراد فاسد و نادرست در آن هیچگونه نقشی ندارند بلکه مطرود و منفور خواهند بود روز شماری کنم.

آیا این انتظار برای تصفیه روح و فکر و شستشوی جسم و جان از لوث آلودگیها کافی نیست؟

ارتشی که در انتظار جهاد آزادگی بخش به سر می‌برد حتما به حالت آماده باش کامل در می‌آید سلاحی را که برای چنین میدان نبردی شایسته است بدست می‌آورد، سنگرهای لازم را می‌سازد آمادگی رزمی افراد خود را بالا می‌برد.

روحیه افراد خود را تقویت می‌کند و شعله عشق و شوق برای چنین مبارزه‌ای را در دل فرد فرد سربازانش زنده نگه می‌دارد ارتشی که دارای چنین آمادگی نیست هرگز در انتظار به سر نمی‌برد و اگر بگوید دروغ می‌گوید.

انتظار یک مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است فکر کنید چنین آماده باشی چقدر سازنده است.

برای تحقق بخشیدن به چنین انقلابی مردانی بسیار بزرگ و مصمم و بسیار نیرومند و شکست‌ناپذیر، فوق العاده پاک و بلندنظر کاملاً آماده و دارای بینش عمیق لازم است.

و خود سازی برای چنین هدفی مستلزم به کار بستن عمیق‌ترین برنامه های اخلاقی و فکری و اجتماعی است، این است معنای انتظار واقعی آیا هیچکس می‌تواند بگوید چنین انتظاری سازنده نیست؟
خود یاریهای اجتماعی

منتظران راستین در عین حال وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند بلکه مراقب حال یکدیگر باشند و علاوه بر اصلاح خویش در اصلاح دیگران نیز بکوشند زیرا برنامه عظیم و سنگینی که انتظارش را می کشند یک برنامه فردی نیست برنامه ای است که تمام عناصر انقلاب باید در آن شرکت جویند، باید کار به صورت دسته جمعی و همگانی باشد، کوششها و تلاشها باید هماهنگ گردد و عمق و وسعت این هماهنگی باید به عظمت همان برنامه انقلاب جهانی باشد که انتظار آن را دارند.

در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی هیچ فردی نمی تواند از حال دیگران غافل بماند بلکه موظف است هر نقطه ضعیفی را در هر کجا ببیند اصلاح کند و هر موضع آسیب پذیری را ترمیم نماید و هر قسمت ضعیف را تقویت کند زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزین، پیاده کردن چنان برنامه ای امکان پذیر نیست.

بنابراین منتظران واقعی علاوه بر اینکه به اصلاح خویش می کوشند وظیفه خود می دانند که دیگران را نیز اصلاح کنند.

این است اثر سازنده دیگری برای انتظار قیام یک مصلح جهانی و این است فلسفه آن همه فضیلتها که برای منتظران راستین شمرده شده است.

منتظران راستین در فساد محیط حل نمی شوند

اثر مهم دیگری که انتظار مهدی دارد حل نشدن در مفاصد محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگیها است. توضیح این که هنگامی که فساد فراگیر می شود و اکثریت یا جمع کثیری رابه آلودگی می کشاند گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می گیرند، بن بستی که از یأس اصلاحات سرچشمه می گیرد. گاهی آنها فکر می کنند که کار از کار گذشته و دیگر امیدی به اصلاح نیست و تلاش و کوشش برای پاک نگاهداشتن خویش بیهوده است این نومیدی و یأس ممکن است آنها را تدریجا به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را به صورت یک اقلیت صالح در برابر اکثریت ناسالم حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که می تواند در آنها امید بدمد و به مقاومت و خویشتن داری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند امید به اصلاح نهایی است تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی و اصلاح دیگران بر نخواهند داشت.

و اگر می بینیم در دستورات اسلامی یأس از آمرزش یکی از برزگترین گناهان شمرده شده است و ممکن است افراد ناوارد تعجب کنند که چرا یأس از رحمت خدا اینقدر مهم تلقی شده است حتی مهمتر از بسیاری از گناهان، فلسفه اش در حقیقت همین است که گناهگار مأیوس از رحمت هیچ دلیلی ندارد که به فکر جبران بیفتد و یا لااقل دست از ادامه گناه بردارد و منطق او این است اکنون که آب از سر من گذشته است چه یک قامت چه صد قامت، من که رسوای جهانم غم دنیا هیچ است. بالاتر از سیاهی رنگ دیگر نیست، آخرش جهنم است من که هم اکنون آنرا برای خود خریده ام از چه می ترسم و مانند این منطقها... اما هنگامی که روزنه امید برای او گشوده شود، امید به عفو پروردگار، امید به تغییر وضع موجود نقطه عطفی در زندگی او خواهد شد و او را به توقف کردن در مسیر گناه و بازگشت به سوی پاکی و اصلاح دعوت می کند.

به همین دلیل امید را می‌توان همواره به عنوان یک عامل موثر تربیتی در مورد افراد فاسد شناخت همچنین افراد صالحی که در محیط‌های فاسد گرفتارند بدون امید نمی‌توانند خویشتن را حفظ کنند. نتیجه این که انتظار ظهور مصلحی که هر قدر دنیا فاسدتر می‌شود امید ظهورش بیشتر می‌گردد اثر فزاینده روانی در معتقدان دارد و آنها را در برابر امواج نیرومند فساد بیمه می‌کند آنها را تنها با گسترش دامنه فساد محیط مأیوس نمی‌شوند بلکه به مقتضای «وعده وصل چون شود نزدیک - آتش عشق تیزتر گردد» «وصول به هدف را در برابر خویشتن می‌بینند و کوششان برای مبارزه با فساد و یا حفظ خویشتن با شوق و عشق زیاده‌تری تعقیب می‌گردد.

از مجموع بحث‌های گذشته چنین نتیجه می‌گیریم که اثر تخطیری انتظار تنها در صورتی است که مفهوم آن مسخ یا تحریف شود همانگونه که جمعی از مخالفان تحریفش کرده‌اند و جمععی از موافقان مسخش - اما اگر به مفهوم واقعی در جامعه و فرد پیاده شود یک عامل مهم تربیت و خود سازی و تحرک و امید خواهد بود.

از جمله مدارک روشنی که این موضوع را تایید می‌کند این است که در ذیل آیه و عدالله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض...)

«خداوند به آنها که ایمان دارند و عمل صالح انجام می‌دهند وعده داده است که حکومت روی زمین را در اختیارشان بگذارد» از پیشوایان بزرگ اسلام نقل شده است که منظور از این آیه «هو القائم و اصحابه»: مهدی و یاران او هستند». [۱].

و در حدیث دیگری می‌خوانیم (نزلت فی المهدی): این آیه درباره مهدی (ع) نازل شده است. «در این آیه مهدی (ع) و یارانش به عنوان) الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات» (آنها که ایمان و عمل صالحی دارند» معرفی شده‌اند بنابراین تحقق این انقلاب جهانی بدون ایمان مستحکم که هر گونه ضعف وزبونی و ناتوانی را دور سازد و بدون اعمال صالحی که راه را برای اصلاح جهان بگشاید اماکن‌پذیر نیست و آنها که در انتظار چنین برنامه‌ای هستند هم باید سطح آگاهی و ایمان خود را بالا ببرند و هم در اصلاح اعمال خویشتن بکوشند.

تنها چنین کسانی هستند که می‌توانند نوید شرکت در حکومت او بخود دهند، نه آنها که باظلم و ستم همکاری دارند و نه آنها که از ایمان و عمل صالح بیگانه‌اند. نه افراد ترسو وزبونی که بر اثر ضعف ایمان از همه چیز حتی از سایه خود می‌ترسند.

ونه افراد سست و بی حال و بیکاره‌ای که دست روی دست گذاشته و در برابر مفساد محیط و جامعه شان سکوت اختیار کرده و کمترین تلاش و کوششی در راه مبارزه با فساد ندارند.

این است اثر سازنده قیام مهدی (ع) در جامعه اسلامی.

خداوند! دیدگان ما را به جمالش روشن کن، و ما را از یاران وفادار و سربازان فداکارش قرار ده!